

به نام خدا

ترویج ازدواج سالم

دفتر سلامت جمعیت خانواده و مدارس

اداره سلامت جوانان

به نام خدا

پیشگفتار:

انتخاب همسر از مهمترین تصمیمات در زندگی انسان است. تشکیل خانواده سالم، متعادل و پایدار مانند هر امر مهم دیگری، به تفکر منطقی و تلاش و کوشش نیازمند است. جوان می بایست بر اساس معیارهای اصولی و منطقی، همسر آینده خود را انتخاب نماید و ازدواج تنها راه مشروع و سالم تشکیل خانواده است. بهار ازدواج دوران جوانی است. در این دوران فرد با شور و نشاط خاصی رو به رو می باشد و آمادگی برای ساختن فردای بهتری را برای خود و خانواده اش دارد. ازدواج سالم زمینه ساز ارتباطات اجتماعی مناسب و بهنجار است و افرادی که ازدواج می نمایند از نظر احساسی سالمترند و کمتر قربانی خشونت های گوناگون اجتماعی می شوند. لازم به ذکر است که علاوه بر موارد یاد شده، آرامش و اعتماد به نفس بیشتری نیز در این افراد دیده میشود و تعهد و احساس مسئولیت بیشتری نسبت به افراد مجرد دارند.

چند سالی است که در کشورمان شاهد تاخیر در ازدواج در بین جوانان می باشیم. از عواملی که موجب این امر شده اند، می توان به تغییر در باورها و الگوهای فکری، بعضی از مشکلات اقتصادی و عدم حمایت مکفی والدین اشاره نمود.

یکی از مهمترین حقوقی که والدین در قبال فرزندان جوان خود دارند: ساماندهی امر ازدواج ایشان می باشد. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: از جمله حقوق فرزند بر پدرش سه چیز است: اسم خوب برای او انتخاب کند، سواد به او بیاموزد و هرگاه به سن بلوغ رسید، او را همسر دهد.

در راستای توانمندسازی جوانان به منظور انتخاب شریک زندگی مناسب، اداره سلامت جوانان دفتر سلامت جمعیت خانواده و مدارس، با بهره گیری از اساتید فن، اقدام به تدوین این کتاب، نموده است. امیدواریم بتوانیم گامی هر چند کوچک، در ارتقای آگاهی جوانان کشورمان، در زمینه ازدواج سالم، برداریم.

مقدمه :

اشاره ای به سیاستهای ابلاغی مقام معظم رهبری در خصوص ترویج ازدواج مناسب ،

سالم و آسان در جوانان :

سیاست های کلان خانواده :

بند ۴ شامل :

ایجاد نهضت فراگیر ملی برای ترویج و تسهیل ازدواج موفق و آسان برای همه دختران و پسران و افراد در سنین مناسب ازدواج و تشکیل خانواده و نفی تجرد در جامعه با وضع سیاست های اجرایی و قوانین و مقررات تشویقی و حمایتی و فرهنگ سازی و ارزش گذاری به تشکیل خانواده متعالی بر سنت الهی
بند دوم سیاست های ابلاغی جمعیت :

رفع موانع ازدواج، تسهیل و ترویج تشکیل خانواده و افزایش فرزند، کاهش سن ازدواج و حمایت از زوج های جوان و توانمندسازی آنان در تأمین هزینه های زندگی و تربیت نسل صالح و کارآمد

عوامل زیادی در تصمیم افراد برای ازدواج تاثیر دارد که مهم ترین شان سبک زندگی فرد است. در حال حاضر نزدیک به سیزده میلیون نفر در وضعیت تجرد به سر می برند. یکی از قوانینی که به انسان ها احساس امنیت می دهد عضویت در گروه است یعنی ما وقتی که متعلق به یک گروه هستیم در گروه احساس امنیت بیشتری می کنیم تا زمانی که فرد هستیم. به همین دلیل است که می گویند انسان هایی که مجرد هستند و تنها زندگی می کنند آسیب پذیری جسمی و روانی شان خیلی بیشتر از افرادی است که در جمع زندگی می کنند.

انسانها نیازهای عاطفی متعددی دارند. برآورده شدن برخی از این نیازها را طبیعت به عهده جنس مکمل گذاشته است. از یک سنی به بعد، انسان دیگر فقط به محبت خانواده و گروه دوستان نیاز ندارد. بلکه نیاز دارد کسی از جنس مکمل شما را دوست داشته باشد، به شما توجه کند و احتیاجاتتان را برآورده سازد. این یعنی شما به دنبال عاطفه ای از جنس دیگر هستید. ازدواج این خاصیت را دارد که ما را از تعدد روابط بی حاصل، یا دل بستن به افراد اشتباهی، به یک سرمایه گذاری عاطفی مطمئن تر سوق دهد. وقتی ازدواج می کنیم، به امنیت عاطفی می رسیم و احساس می کنیم کسی هست که نیازهای روانی، نیازهای عاطفی و حمایتی ما را برآورده کند. همان طور که پروردگار هم در قرآن آورده است که زن و مرد را برای آرامش گرفتن از یکدیگر آفریده و هدف نهایی ازدواج، رسیدن به همین محبت و امنیت و آرامش است.

در این مجموعه تلاش شده تا با بهره گیری از درس آموخته های موجود در سمینارها و کارگاه ها و نشست ها پاسخ پاره ای از سوالات طرح شده در خصوص موانع ازدواج در جوانان را با استفاده از رای و نظر ایشان و سایر صاحب نظران ارائه دهیم.

طرح درس:

الف) یادگیرنده با سیاست های ابلاغی جمعیت آشنا شود.

ب) با اهمیت ازدواج سالم آشنا شود.

ج) با موانع مختلف در راه ازدواج سالم آشنا شود.

ح) راه حل های مختلف در موانع ازدواج سالم را شناسایی نماید.

چ) ارتقا آگاهی جوانان در زمینه فواید ازدواج مناسب برای جوانان

د) با مضرات ازدواج دیر هنگام آشنا شوند.

ذ) آشنایی با عوامل امتناع دختر و پسر از ازدواج

و) آشنایی با راهکارهای برخورد سالم با عوامل امتناع دختر و پسر از ازدواج



امام صادق علیه السلام
دو رکعت نمازی که مرد متاهل میخواند
بتر است از هفتاد رکعت نمازی که مرد مجرد میخواند.

Aholbait.com

میزان الحکمه: ج ۵ ص ۸۳

اهمیت موضوع :

هر جوانی طبعاً به ازدواج و تشکیل خانواده علاقه دارد و باید کانون خانواده را برقرار سازد. لیکن در سالهای اخیر اغلب ازدواج‌ها از سنین طبیعی و مطلوب به سنین بالاتر به تأخیر می‌افتد. آن چه باعث این تأخیر می‌شود بعضی مشکلات و موانع واقعی یا خیالی است که در این راه وجود دارند که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

ازدواج یک امر ساده و یک نیاز طبیعی است که دو جنس به یکدیگر دارند. دو رکن اصلی ازدواج زن و مرد هستند که در خطبه عقد، پیمان زندگی مشترک می‌بندند، تا در اداره زندگی تشریک مساعی نمایند و تا پایان عمر نسبت به همدیگر وفادار باشند. و مرد به مقدار امکاناتش چیزی یا مبلغی را به عنوان اقدام و نشانه صداقت تقدیم همسرش می‌نماید که مهر و صداق نامیده می‌شود. اصل ازدواج همین امر ساده و بی تشریفات است. و قاعدتاً باید مانند سایر نیازهای طبیعی بدون تکلف انجام بگیرد. لیکن این حقیقت ساده از مسیر سهل و بی آرایش خود خارج شده و به یک سری آداب و رسوم و تجملات و توقعات زائد و غیرضروری و دست و پا گیر مبتلا گشته است، مانند مراسم سنگین عقد و عروسی، مهریه‌های سنگین و.... این قیود زائد و دست و پا گیر بصورت جزء لاینفک ازدواج در آمده و آن را امری غیرطبیعی و دشوار ساخته است. ریشه اکثر موانع، همین قید و بندهای غیرضروری است.



در آموزه‌های اسلامی اهمیت ازدواج از دو منظر منافع فردی و مصالح اجتماعی قابل بررسی است. اهمیت ازدواج در دین مبین اسلام تا آن اندازه بالا است که در قرآن کریم از همسران به عنوان زیبایی برای یکدیگر، [4] و مایه آرامش یاد می‌کند. همچنین پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: "هیچ بنایی در اسلام نیست که دوست داشتنی‌تر از بنای ازدواج باشد." [5] همچنین در روایات متعددی، عبادت افراد متأهل را برتر از عبادت افراد غیر متأهل برشمرده شده است. چنانکه امام صادق (علیه السلام) فرموده است: "دو رکعت نمازی که انسان متأهل می‌خواند، ثوابش بیشتر از هفتاد رکعتی است که انسان مجرد می‌خواند." [6]

ازدواج مناسب‌ترین زمینه برای تأمین نیازهای روانی، عاطفی، [7] و جنسی جوانان است و همین امر موجب سلامت دینی و اخلاقی جوانان خواهد شد. به همین دلیل رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در روایتی می‌فرماید: هر کس که ازدواج کرد، نصف دینش را حفظ کرده است. [8] و باز در روایتی خطاب به جوانان فرمودند: "ای گروه جوانان! هر یک از شما که می‌تواند ازدواج کند، در این باره اقدام نماید؛ زیرا بوسیله ازدواج می‌توان چشم و دامن را از گناه بازداشت."

ازدواج تنها راه مطمئن و مشروع برای بقا و تربیت نسل صالح [9] و شکل‌گیری جامعه سالم است و با ارضای مشروع غریزه جنسی از مسیری سالم و پاک، مانع گسترش فساد در اجتماع بوده و از این نظر نقشی مهم را در سلامت و امنیت جامعه [10] نیز ایفا می‌کند. به همین دلیل است که پیامبر مکرم اسلام افراد را از سختگیری در ازدواج نهی کرده و فرموده اند: "وقتی کسی به خواستگاری می‌آید و اخلاق و دین او مایه رضایت است، به او زن دهید که اگر چنین نکنید، فتنه و فساد زمین را پُر خواهد کرد." [11] ازدواج همچنین راهی برای اعلام بلوغ و درخواست خودکفایی و استقلال از سوی جوانان است تا با تحقق مسئولیت‌پذیری جدید، راه تکامل و تعالی را ببیمایند. تنها در این صورت است که فرد می‌تواند برنامه‌های اختصاصی خود را مستقل از والدین به گونه‌ای سالم و مطمئن به اجرا درآورد و به احساس لیاقت، شایستگی و اعتماد به نفس بیشتری دست یابد. همچنین پژوهش‌ها و تجارب متعددی نشان‌دهنده آن است که مجرد زیستن، زمینه را برای ابتلاء به انواع اختلالات روانی و بیماری‌های جسمانی فراهم می‌کند. در مقابل، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که سلامت جسمانی و روانی افراد متأهل بیش‌تر است و عموماً عمر طولانی‌تر و وضعیت اقتصادی بهتری دارند.

اهداف :

۱. ارتقا آگاهی جوانان در خصوص مشکلات پیش رو در زمینه ازدواج
۲. ارتقا آگاهی جوانان در خصوص ازدواج سالم
۳. توانمند سازی جوانان در خصوص همسریابی
۴. افزایش مهارت حل مسئله
۵. کاهش رفتارهای مخاطره آمیز
۶. افزایش فضای مثبت فیما بین جوانان و والدین
۷. افزایش توانایی اولویت بندی مسائل در جوانان
۸. افزایش نقش حمایت خانواده ها از جوانان
۹. افزایش مشارکت سیاستگذاران
۱۰. توانمند سازی جوانان در خصوص همسررداری سالم

اشاره ای به بعضی از موانع ازدواج :

ادامه تحصیلات :

برخی از دختران و پسران ادامه تحصیل را بهانه‌ای برای به تأخیر انداختن ازدواج می‌دانند. البته تعداد زیادی از دانشجویان که به ازدواج نیاز دارند، یا به شدت تحت فشار غریزه جنسی قرار دارند، بدون ازدواج هم درگیر افکار و تمایلات خاصی هستند که به نوبه خود مانع از تمرکز برای پرداختن به تحصیل است و گاهی نیز آنها را به انحرافات و مفاسد اخلاقی وامی‌دارد. این افراد گاهی نشاط و شادابی لازم را برای زندگی مشترک در سنین بالا نخواهند داشت.

اگر نهایتاً مسیر ازدواج در حین تحصیل را برگزیدید و نگران مشکلاتی هستید که با آن مواجه می‌شوید، به راه‌های زیر توجه کنید:

- می‌توانید با مقدمات ساده و بدون تشریفات، عقد شرعی کنید، اما عروسی اصلی را به تأخیر بیندازید.
- کار کردن همگام با تحصیل، می‌تواند در کاهش مشکلات اقتصادی شما تأثیر بگذارد.
- وقتی زندگی ساده و قانعی داشته باشید، آرامش فکری و روحی بیشتری خواهید داشت؛ در این صورت راحت‌تر می‌توانید در مسائل علمی، پژوهشی و صنعتی پیشرفت کنید.
- حمایت‌های والدین می‌تواند در کاهش مشکلات دوران تحصیل مؤثر باشد.
- وقتی هر دو زوج یا یکی از زوجین محصل باشد، انجام کارهای منزل به‌طور مشترک صورت می‌گیرد که این مسئله علاوه بر محبت و دلگرمی، اجر اخروی را هم به دنبال دارد.
- با توافق یکدیگر تا پایان سال تحصیلی، از بچه‌دار شدن جلوگیری کنید و با آسودگی بیشتری به تحصیل بپردازید.

گاهی اوقات والدین ادامه تحصیل فرزندشان را مانع ازدواج آنها می دانند و با ازدواج آنها مخالفت می کنند؛ در این صورت فرزندان برای از بین بردن اشکال تراشی های غیر منطقی و نامعقول بهتر است راهکارهای زیر را به کار بندند:

- صحبت مستقیم، معقول، مؤدبانه، منطقی و همراه با احترام به والدین و گوشزد کردن اشکالات آنها و توجیه آنها نسبت به غیر منطقی بودن شیوه برخوردشان.
- در صورت شرم و حیا و یا تأثیر گذار نبودن صحبت مستقیم، واسطه کردن افرادی که حرف آنها در والدینشان مؤثر واقع می گردد.

در پایان تأکید می کنیم یکی از دلایل بالا رفتن سن ازدواج، تحصیلات است که ازدواج های دانشجویی علاوه بر کاهش تنش های روحی جوانان از بالا رفتن سن ازدواج جوانان نیز جلوگیری می کند و همچنین از مزایای جشن های ازدواج دانشجویی، صرفه جویی اقتصادی برای زوجین است.

۳. سربازی:

در مورد رفع مانع سربازی باید به نکات زیر توجه کرد:

- پسرانی که تحصیلات دانشگاهی دارند، مشکل خاصی جهت سربازی ندارند؛ چرا که می توانند بعد از پایان تحصیلات در قالب تعهدهایی که همراه با انجام شغلشان است، خدمت سربازی را انجام داده بدون اینکه وقفه ای در زندگیشان به وجود آید.
- خانواده دختر، علت معافیت فرد را جویا شوند و نسبت به صحت آن تحقیق کنند.
- سربازی نرفتن پسرها در اصل مانعی برای ازدواج محسوب نمی شود چرا که فرد می تواند عقد کرده، سپس به سربازی رود.
- فرار از سربازی نه تنها مشکل را حل نمی کند، بلکه در آینده بر مشکلات فرد می افزاید؛ چه بسا اگر قصد خروج از کشور داشته باشد، بخواهد در جایی مشغول به کار شود و... ارائه کارت پایان خدمت لازم است.
- کسی که از سربازی فرار می کند، نشان می دهد که آمادگی برخورد با مشکلات را ندارد.

- در صورتی که پسر احساس نیاز به ازدواج نمی کند، بهتر است ازدواج را به بعد از گذراندن خدمت سربازی موکول کند.
- اگر سربازی نرفته اید و قصد ازدواج دارید، این موضوع را با خانواده دختر مطرح کرده و عنوان کنید که ممکن است در شهر دور مشغول خدمت شوید تا آن ها با آگاهی کامل تصمیم گیری نمایند.
- اگر فرد مورد نظر شما در شهری دور از شما مشغول به خدمت سربازی است، با دقت و بررسی بیشتری نسبت به خود و ظرفیت سنجی خود تصمیم بگیرید.
- اگر فرد مشغول به خدمت سربازی در محل سکونت خود باشد و درآمد کافی جهت گذراندن حداقل زندگی مشترک را نداشته باشد، خانواده ها می توانند با کمک های مادی و معنوی خود آنها را حمایت کنند و از مشکلات آنها بکاهند.
- افرادی که مجبورند این دو سال را به دور از محل زندگی بگذرانند، این مسأله مانعی برای ازدواجشان نیست و این افراد می توانند دوران عقد خود را همراه با سربازی بگذرانند.
- عقد در دوران سربازی شیرین و زیباست و زوج می توانند در ایام مرخصی با هم ملاقات داشته باشند.

موانع ازدواج و چشم و هم چشمی

اگر شما هم در چنین شرایطی هستید؛ از هر کسی که سراغ تان می آید حرف و حدیث می شنوید، تحت فشار هستید و احساس اجبار به ازدواج می کنید، خانواده تان شما را لای منگنه گذاشته و اصرار به ازدواج سریع تر شما دارند، اگر به دنبال برترین انتخاب ها هستید یا این که نقشه می کشید چگونه و چطور می توانید از دیگران رویی کم کنید تا بیایند و ببینند و... باید بگویم اینجا چراغ قرمز است، لطفا ایست کنید، حرکت شما جایز نیست! میل شدید به جبران کردن و خودی نشان دادن، کم کردن روی اطرافیان از طریق ازدواج یا مقایسه دائم گزینه انتخابی خود با مورد ازدواج دیگران و... به عنوان نشانه های خطر در انتخاب محسوب می شوند که می توانند مسیر زندگی تان را در سراپی پیش ببرند که هرگز آبی گوارا و قابل نوشیدنی یافت نخواهد شد.

با چشم و هم چشمی چه کنیم؟

حسادت برانگیخته شده تان را بپذیرید؛ شما در حال حاضر برحسب این حس تان فکر و رفتار می کنید. عموماً انتخاب بر مبنای حسادت، فارغ از عقل و منطق بوده و بسیار تحت تاثیر کوتاه نگری ها و ساده اندیشی هاست که عاقبتی جز یاس و پشیمانی به ارمغان نمی آورد؛ بنابراین در این شرایط، عقل سلیم حکم می کند از هر اقدامی در زمینه ازدواج صرف نظر کنید، چون ضریب خطا در این نوع انتخاب ها تا حد زیادی بسیار بالاست. به جای تفکر به ازدواج، به درون خودتان بیندیشید؛ حسادتتان را ریشه یابی کنید، عوامل ایجادکننده و تداوم دهنده آن را بشناسید، راهکارهای مقابله با آن را یاد بگیرید و در نهایت خود را ملزم و موظف به تمرین کنید تا با اراده ای قوی و برای خوشبختی ای که لایق آن هستید به جنگ این حس مخرب بروید. زمانی که عاری و تهی از حسادت شدید و به مرتبه ای رسیدید که به خاطر خود، علایق و خواسته هایتان خواهان ازدواج باشید، وقت آن است که آستین هایتان را بالا بزنید و برای انتخاب همسر ایده آل تان قدم بردارید.

درانتخاب عجله ننمایید :

انتخاب در شرایط اضطرار و عجله، انتخابی عجولانه یا تصمیم گیری از نوع از سر بازکردن است. انتخاب عجولانه، انتخابی سریع، بی هدف و بی سازمان بوده که امکان اشتباه کردن در آن حتمی و قطعی و چند برابر است و احتمال دارد فرد به واسطه آن انتخاب ناآگاهانه و ضرب العجل با بسیاری از مصائب و مشکلات جبران ناپذیر مواجه شود. هر انتخاب درستی به واری و بررسی بسیار نیاز دارد، بی گمان لازمه این عمل نیز مستلزم صرف زمان بسیاری است.

با عجله چه کنیم؟

برای کاهش درصد خطا و افزایش احتمال موفقیت در انتخاباتان، سعی کنید بر خصلت عجولانه خود یا دیگران فائق آیید و شرایط فوری و فوتی و موقت امروز را بر خوشبختی و سعادت فردایتان ترجیح ندهید. سلامت آینده زندگی شما ارزش آن را دارد که با این خصلت و افکار ترغیب کننده به آن، مبارزه کنید. این جمله را بارها به خود بگویید یا به دیوار اتاق تان نصب کنید: «من به ندای عظم

گوش می دهم، نباید عجله کنم.» ترس و واهمه را کنار بگذارید، اجازه دهید زمان کارتان را با حوصله پیش ببرد. گاه با عجل بودن فقط چاه زندگی تان را می کنید و در قعر فرومی روید که شاید پشیمانی بعد از آن سودی نداشته باشد. با اطرافیان یا کسانی که احساس می کنید از جانب آنها تحت فشار هستید صحبت کرده و شرایط و افکار خود را تا حدودی بازگو کنید، قاطعانه به آنها بگویید برای دادن جواب مثبت یا منفی عجله ندارید و حتی انتظار دارید در این مسیر مهم، همراهی تان کنند. به آنها بگویید تصمیم خود را با آرامش و سر فرصت خواهید گرفت و عجله ای برای گفتن جواب ندارید.

مشکلات خانوادگی:

در این قسمت نکته هایی ارائه می گردد که برای رفع بعضی از مشکلات خانوادگی می تواند مؤثر باشد. (برای نظم بیشتر، راه ها تحت عنوان موضوع مربوطه دسته بندی شده اند.)

الف) بیماری والدین:

- اگر پدر و مادر یا هر دوی آنها بیماری دارند که نیاز به پرستاری دارند، کار را بین خودتان (خواهرها و برادرها) تقسیم کنید و در صورت امکان پرستار هم بگیرید.
 - بدانید که پدر و مادر راضی نیستند که به خاطر آن ها مجرد بمانید، پس به ازدواج بیندیشید.
- ب) تأکید بر ازدواج فرزندان بزرگتر:
- بحث ترتیب، عمدتاً بین دختران مشکلاتی را ایجاد می کند و در مورد پسران موضوعیتی ندارد.
 - برای رعایت ترتیب ازدواج فرزندان نباید موقعیتهای خوب و ایده آل را فدا کرد، مگر در صورتی که ازدواج خواهر کوچک تر، باعث سرشکستگی و افسردگی خواهر بزرگتر شود. ظرافت برخورد و اینکه تأکید و پیشنهاد اقدام از طرف خواهر بزرگ تر باشد، مشکل را تا حدودی حل می کند.
 - برای خانواده توضیح دهیم که به خصوص در مورد دختران، آنها نیستند که به خواستگاری می روند، بلکه مورد انتخاب قرار می گیرند، لذا نباید موقعیتهای خوب را از دست داد.

• اگر شما و طرف مقابلتان می توانید تا ازدواج کردن خواهر بزرگترتان صبر نمایید، بهتر است ازدواج خود را به تأخیر اندازید. یا صیغه ای خوانده شود و جشن عروسی به بعد موکول شود.

• خانواده ای که عدم ترتیب فرزندان را در امر ازدواج می پسندند، باید با عزّت و احترام گذاشتن به فرزند بزرگتر، زمینه ی عیب گذاری مردم را بر روی فرزندانشان برطرف کنند.

• اگر می بینید خواهر بزرگتان از روی بهانه یا وسواس تن به ازدواج نمی دهد، یا به خاطر ادامه ی تحصیل، ازدواج را به عقب انداخته است، در صورت وجود موقعیتی مناسب، با مشورت یک فرد آگاه با اطلاع خانواده به ازدواج اقدام کنید.

(ج) تکفل خانواده:

• اگر شما سرپرست خانواده خود هستید یا به عبارتی، آن ها تحت پوشش حمایتی مالی و معنوی شما قرار دارند، سعی کنید ضمن احترام گذاشتن و وقت گذاری کافی، آنها را به خود وابسته نکنید.

• شما دیر یا زود به ازدواج نیاز پیدا می کنید، لذا لازم است والدینتان را برای این امر آماده کنید.

• به والدینتان بفهمانید که ازدواج شما مانع از حمایتهای مالی و معنوی شما نخواهد شد.

منبع :

موسسه تحقیقات و نشر اهل بیت علیه السلام

ضمیمه :

پاسخ از حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته):

موانع ازدواج جوانان و راه حل‌های آن چیست؟

پاسخ :

پاسخ از حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته):

هر جوانی طبعاً به ازدواج و تشکیل خانواده علاقه دارد و گزینه جنسی، او را در اقدام به آن دعوت می‌کند، و باید هر چه زودتر خواسته طبیعت را اجابت کند و کانون خانواده را برقرار سازد. ولی در خارج چنین نیست و اغلب ازدواج‌ها از سنین طبیعی و مطلوب به سنین بالاتر به تأخیر می‌افتد. آنچه باعث این تأخیر می‌شود بعضی از مشکلات و موانع واقعی یا خیالی است که در این راه وجود دارند که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

قبلاً باید یادآور شد که ازدواج امر ساده و نیازی طبیعی است که زن و مرد به یک دیگر دارند. دو رکن اصلی ازدواج زن و مرد هستند که در خطبه عقد، پیمان زندگی مشترک می‌بندند، که در اداره زندگی تشریک مساعی نمایند و تا پایان عمر به هم وفادار باشند. مرد به مقدار امکاناتش چیزی یا مبلغی را به عنوان «صداق» و نشانه صداقت تقدیم همسرش می‌نماید که مهر و صداق نامیده می‌شود. اصل ازدواج همین امر ساده و بی تشریفات است، و قاعدتاً باید مانند سایر نیازهای طبیعی بدون تکلف انجام بگیرد. ولی متأسفانه این حقیقت ساده از مسیر سهل و بی آرایش خود خارج شده و به یک سری آداب و رسوم و تجملات و توقعات زاید و غیر ضروری و دست و پاگیر مبتلا گشته است، مانند مراسم سنگین عقد و عروسی، مهریه‌های سنگین، جهاز مفصل، فرش و ظرف و اسباب زندگی، توقع منزل جدا و مستقل. این قیود زاید و دست و پاگیر به صورت جزء لاینفک ازدواج درآمده و آن را امری غیرطبیعی و دشوار ساخته است. ریشه اکثر موانع، همین قید و بندهای غیرضروری است که تا پاره نشوند مشکلات و موانع ازدواج برطرف نخواهد شد. اکنون به تعدادی از این مشکلات اشاره می‌کنیم:

۱. فقر و تهی دستی:

هر جوانی طبعاً میل دارد که ازدواج کند و زندگی خود را سامان دهد و گزینه جنسی هم او را بدین امر هدایت و حتی

تحت فشار قرار می دهد. اما بسیاری از جوانان، بر خلاف میل باطنی، به موقع ازدواج نمی کنند؛ با این عذر که مخارج عقد و عروسی، تهیه منزل و اسباب و لوازم زندگی را نداریم و نمی توانیم مخارج آینده زندگی را تأمین و آبرومند زندگی کنیم و با این بهانه ها بهترین اوقات جوانی را در حال مجرد به سر می برند، هنگامی ازدواج می کنند که چندان نیازی به آن ندارند و برخی ناچار می شوند تا پایان عمر از این نعمت بزرگ محروم بمانند و مجرد زندگی کنند. آری، فقر و تهی دستی امری است دردناک که می تواند از ازدواج به موقع جلوگیری کند ولی همه افراد در این امر یک سان نیستند. بعضی افراد واقعاً فقیرند، یا اصلاً کار پیدا نمی کنند، یا در اثر بیماری از انجام هر کاری ناتوانند، یا درآمدشان از حداقل زندگی خودشان کمتر است. عذر این گونه افراد در تأخیر ازدواج مقبول است، چون به کسی که قدرت ندارد نفقه خانواده را بپردازد، چگونه می توان گفت: باید حتماً در اولین فرصت ازدواج نماید؟ بهتر است این گونه افراد عفت و پاک دامنی را حفظ کنند، و صبر و خویشتن داری را پیشه خود سازند و با استمداد از خداوند متعال سعی کنند درآمد مشروعی به دست آورند آن گاه ازدواج نمایند.

خداوند در قرآن می فرماید: «آنان که وسیله ازدواج ندارند عفت نفس پیشه کنند تا خدا آنها را به لطف خود بی نیاز گرداند.» (۱)

این گونه جوانان در وضع بسیار دشواری به سر می برند: از یک طرف میل دارند مانند سایر جوانان تشکیل خانواده بدهند و مستقل زندگی کنند و غالباً تحت فشار گزینه جنسی نیز هستند، از طرف دیگر امکانات و قدرت مالی ندارند تا ازدواج کنند. به هر حال باید صبر و بردباری پیشه کنند، تلاش نمایند و از خدا استمداد جویند تا وسیله ازدواج را برایشان فراهم سازد.

اما اولیای این افراد نیز موظف هستند به مقدار توانشان در رفع نیاز آنها و تهیه کار مناسب و تأمین مخارج ازدواجشان سعی و تلاش کنند و در رأس همه، حکومت اسلامی موظف است کار مناسبی برای این گونه افراد فراهم سازد و مادام که کار ندارند مخارج زندگی آنها و حتی هزینه ازدواج و مخارج اهل و عیال شان را از بیت المال بپردازد.

همه افرادی که دیر ازدواج می کنند واقعاً به سبب عدم تمکن مالی نیست، چون ازدواج آن قدر هم دشوار نیست که ما می پنداریم، بلکه توقعات و بلندپروازی های بی جا و تجمل پرستی اغلب جوانان، ازدواج را این چنین دشوار ساخته است. مراسم مجلل عقد و عروسی، هزینه های سنگین و کمرشکن مهر و جهاز است که ازدواج را به صورت غولی وحشتناک در آورده است. جوانان این مراسم سنگین را جزء لاینفک ازدواج و از علائم شخصیت خود می پندارند. جوان، فکر می کند برای ازدواج باید منزل شخصی و مستقل داشته باشد، فرش و اسباب زندگی او باید مرتب باشد، باید مراسم عقد و عروسی را مجلل برپا سازند، باید بعد از ازدواج خودش و خانواده اش در کمال رفاه و آسایش زندگی کنند و چون در آغاز جوانی چنین امکاناتی ندارد تأخیر ازدواج را ترجیح می دهد.

اما همه این افکار اشتباه است. هیچ کدام برای ازدواج ضرورت ندارد. اگر منزل شخصی نیست در منزل اجاره ای هم می توان ازدواج کرد. اگر منزل دربست نباشد در یک اتاق و دو اتاق هم می توان عروسی کرد. در منزل پدر و مادر عروس یا داماد هم می توان عروسی کرد. اگر فرش قالی نیست روی موکت هم می توان زندگی کرد. اگر زندگی مرفهی نمی توان تهیه کرد با رعایت اقتصاد و سادگی می توان زندگی کرد. به عقیده من، ازدواج به موقع و ساده زیستن، بر تأخیر ازدواج به منظور تأمین تشریفات و تجملات برتری و ترجیح دارد، زیرا قناعت و ساده زیستن و به

موقع ازدواج کردن، هیچ گونه عوارض بدی در بر ندارد، در صورتی که تأخیر ازدواج غالباً از آثار سوء جسمانی و روانی و حتی دینی و اخلاقی خالی نیست و عواقب ناگواری را به دنبال خواهد داشت. اگر دختر و پسر موقعیت خود را بشناسند، از توقعات و بلند پروازی ها دست بردارند، پا را به اندازه گلیمشان دراز نکنند، و با هم تفاهم نمایند که با وضع موجود بسازند و با همین امکانات موجود زندگی خانوادگی را تشکیل دهند، می توانند در آغاز جوانی از نعمت انس و محبت برخوردار گردند و از عواقب سوء مجرد مصون و محفوظ بمانند و می توانند به تدریج اسباب و لوازم زندگی را فراهم سازند و بعد از مدتی زندگی آبرومند و مرتبی داشته باشند.

کوتاه سخن این که ازدواج و ارضای غریزه جنسی مانند غذا خوردن یک نیاز طبیعی است که به موقع باید تأمین شود. چنان که انسان به هنگام گرسنگی، هر غذایی پیدا کرد می خورد، و هیچ گاه به بهانه عدم وجود میز و سرویس منظم غذاخوری و سفره زیبا و رنگین، از غذا خوردن امتناع نمی کند، ازدواج نیز یک نیاز طبیعی است که به موقع باید تأمین شود و نباید با توقعات و بلند پروازی ها تأخیر بیفتد.

۲. بی کاری:

یکی از موانع مهم ازدواج بی کاری است. با این که غریزه جنسی در جوانان بسیار نیرومند است و آنان را به سوی ارضای مشروع و قانونی و تشکیل خانواده دعوت می کند، اما وقتی بی کار و بی درآمد باشند و قدرت تأمین هزینه های مراسم عقد و عروسی و تأمین هزینه زندگی را نداشته باشند نمی توانند به موقع ازدواج کنند، ناچارند غریزه جنسی را سرکوب کنند و ازدواج را تا پیدا کردن شغل و درآمد تأخیر بیندازند. وقتی پسران تا سنین بالا ازدواج نکنند و گاهی اصلاً از ازدواج صرف نظر کنند دختران نیز کمتر خواستگار پیدا می کنند و ناچارند تا سنین بالا در خانه پدر و مادر بمانند. و آثار سوء جسمانی و اخلاقی و اجتماعی چنین وضعی روشن است.

متأسفانه جمع کثیری از جوانان عزیز کشور ما با مشکل بی کاری مواجه اند، زیرا جمعیت کشور ایران، جوان است، تقریباً نیمی از مردم ما جوان هستند و به سن ازدواج رسیده اند یا می رسند و نیاز به اشتغال و کسب درآمد دارند. ولی مشاغل، محدود است و به تعداد تقاضا نیست. تعداد زیادی جوان دختر و پسر داریم که فارغ التحصیل شده و جویای کار و استخدام هستند ولی اکثرشان نمی توانند شغل مناسبی پیدا کنند. این وضع هم چنان ادامه دارد و هر ساله تعداد زیادی فارغ التحصیل داریم و بر تعداد بی کاران افزوده می شود.

تعداد زیادی از جوانان، به هر دلیل، ترک تحصیل کرده و درصدد یافتن شغل مناسب هستند. همه اینها، به اضافه کارگران و کارمندی که قبلاً شاغل بوده اند ولی کارگاهشان تعطیل شده و یا به هر دلیل اخراج یا بازخرید شده اند سیل عظیمی از بی کاران را تشکیل می دهند ولی شغل های جدید به تعداد نیاز نیست. بنابراین بی کاری یکی از مشکلات مهم کشور ماست که دولت باید برای حل آن جداً چاره اندیشی کند وگرنه امکان دارد در آینده با بحران مواجه شویم. ولی با توجه به اوضاع و شرایط موجود و اقتصاد بیمار کشور ما، حل مشکل بی کاری و ایجاد زمینه اشتغال برای خیل عظیم جوانان کار ساده و آسانی نیست، به نظر می رسد نیاز به یک ابتکار عمل و تجدید نظر جدی در ساختار سیستم اقتصادی کشور دارد.

ایران با وجود این همه منابع متنوع طبیعی و سرزمین حاصل خیز و آب های فراوان و نیروهای مستعد انسانی، کشور فقیری نیست و نباید وضع اقتصادی ما این چنین باشد. دولت باید به وسیله کارشناسان اقتصادی، عیوب و

نواقص برنامه های اقتصادی موجود را پیدا کند و برطرف سازد، و به وسیله کارشناسان مخلص و دل سوز و با تجربه، طرحی جامع و منسجم و حساب شده تهیه کند و به تصویب مجلس برساند و به طوری جدی و با همکاری همه نهادها اجرا کند، بدین وسیله به تدریج به توسعه صحیح اقتصادی و حل نهایی مشکل بی کاری و فقر خواهد رسید. ولی رسیدن به چنین اقتصاد صحیحی حتماً نیاز به زمان و جدیت فراوان دارد. امیدواریم در آینده به چنین هدفی نائل گردیم.

ولی قبل از رسیدن به هدف نهایی و مطلوب، دولت موظف است به تعداد امکان برای حل مشکل بی کاری چاره اندیشی کند، ولو به طور موقت و تعداد محدود.

یکی از کارهایی که دولت در این مورد می تواند انجام دهد توزیع عادلانه شغل های موجود در میان افراد جویای کار و جلوگیری از اشتغال افراد به شغل های متعدد و درآمد دار است. در جامعه کنونی افراد فراوانی داریم که کارهای مختلف و متعدد دارند. و از چند جا حقوق و مزایا و یا اضافه کار می گیرند، در صورتی که افراد دیگر اصلاً بی کارند. این عادلانه نیست که افرادی دارای شغل های متعدد باشند و از چند جا کسب درآمد کنند ولی افراد دیگر بی کار باشند. دولت می تواند با وضع قوانین و مقررات مناسب حق اشتغال افراد را محدود سازد و بیشتر از یک شغل دولتی یا خصوصی را ممنوع سازد. جلو اضافه کاری را بگیرد، یا بر داشتن شغل های متعدد مالیات های سنگین ببندد تا دنبال کارهای متعدد نروند.

دولت با طرح و اجرای چنین برنامه ای می تواند جمع کثیری از بی کاران را به شغل مشغول سازد. البته این را می دانم که اکثر کسانی که دارای شغل های متعدد هستند نیازهای زندگی و تأمین رفاه بیشتر آنها را وادار به تصدی بیش از یک شغل کرده ولی با وجود کمبود زمینه اشتغال و تعداد روزافزون بی کاران امر دایر است بین این که گروهی که در توان دارند برای خودشان چند شغل دست و پا کنند و به رفاه بهتری برسند ولی جمع کثیری دیگر اصلاً بی کار و گرسنه باشند و بین این که همین شغل های موجود عادلانه بین همه افراد تقسیم شود و همه به نوایی برسند. وضع دوم یقیناً بر وضع اول ترجیح دارد. البته اجرای چنین برنامه ای کار آسانی نیست. ولی با تصمیم قاطع و برنامه ریزی صحیح امکان عمل دارد.

کار دیگری که دولت در این باره می تواند انجام دهد جلوگیری از استخدام زن و شوهر در اداره های دولتی و حتی مؤسسه های غیر دولتی است. اگر زن استخدام شده شوهر حق استخدام نداشته باشد و بالعکس. چنان چه زن و شوهری قبلاً استخدام شده و شاغل هستند دولت می تواند آن دو را مخیر کند که یک نفرشان از کار برکنار شود. کار دیگری که دولت در این مورد می تواند انجام دهد تعیین تکلیف برای کارگران و کارمندان غیر ایرانی است. در این زمان چندین میلیون غیر ایرانی به کارهای مختلف اشتغال دارند، بعضی از آنها نمی توانند به کشورشان باز گردند و عواطف انسانی و اسلامی اجازه نمی دهد آنان را از ایران اخراج نمود ولی به هر حال این مسئله قابل بحث است که با وجود این همه بی کار ایرانی وظیفه دولت چیست. آیا وظیفه دارد غیر ایرانی ها را اخراج کند و بدین وسیله برای جمع کثیری از ایرانیان زمینه کار را فراهم سازد، یا این که پناهندگان غیر ایرانی و مهمانان را بر صاحبان اصلی خانه مقدم بدارد. دولت باید در این رابطه تصمیم بگیرد.

۳. ادامه تحصیلات:

سومین عاملی که موجب تأخیر ازدواج می شود ادامه تحصیلات دبیرستانی یا دانشگاهی است. اغلب پسران و دختران علاقه دارند تحصیلات خود را حداقل تا دیپلم و در صورت امکان تا لیسانس و بالاتر ادامه دهند. و از طرف دیگر ازدواج را با درس خواندن ناسازگار می دانند، زیرا ازدواج مسئولیت آفرین است، و شخص را مقید می سازد. چون شوهر باید زن داری کند و مخارج خانواده را تأمین نماید، در صورتی که هنوز شغلی و درآمدی پیدا نکرده تا مخارج خود و همسرش را تأمین کند. او هنوز نان خور پدر و مادر می باشد چگونگی می تواند هزینه زندگی خانواده اش را تأمین کند، به علاوه فکر می کند بعد از ازدواج باید همسر داری کند و فرصت و فراغتی برای درس خواندن نخواهد داشت. دختر نیز تصور می کند که ازدواج مانع درس خواندن می باشد، زیرا بعد از ازدواج باید شوهر داری و خانه داری کند و فراغتی برای درس خواندن ندارد. خانواده دختر و پسر نیز همین عقیده را دارند و غالباً حاضر نیستند درباره ازدواج فرزندانشان، در حال تحصیل اقدام نمایند.

در نتیجه، اوضاع چنین شده که مشاهده می نمایید: سنین ازدواج بالا رفته، پسران و دختران بر خلاف میل طبیعی، خویشتن را ملزم می دانند که ازدواج را تا پایان دوره تحصیلات به تأخیر بیندازند، مخصوصاً در شهرها و به ویژه در شهرهای بزرگ.

با این که تحت شدیدترین فشارهای نیروی غریزه جنسی قرار می گیرند اما ناچارند بسوزند و بسازند. چون ادامه تحصیلات را برای آینده خویش ضروری و سرنوشت ساز می دانند، اما غریزه جنسی به هر حال یک واقعیت است و به این بهانه ها نمی توان آن را خاموش ساخت. اگر از طریق مشروع و طبیعی ارضا نشد، بیم آن می رود که از طریق غیرمجاز خود را آشکار سازد. نابهنجاری ها، طغیان ها، مفاسد اخلاقی، انحرافات جنسی، تجاوزات نامشروع، ولگردی ها و چشم چرانی ها، وجود بعضی بیماری های جسمانی و روانی، که در بین جوانان دیده می شود معلول تأخیر ازدواج و عدم دسترسی به ارضای مشروع است.

مشکلات اخلاقی و اجتماعی جوانان بر اندیشمندان پوشیده نیست و همه را به وحشت انداخته است، مریبان و خیراندیشان از انحرافات جنسی جوانان بیمناکند و در پی چاره هستند، توصیه می کنند برای جوانان تفریح گاه سالم، کتاب خانه، پارک، فیلم، نمایش نامه، امکانات ورزشی تهیه کنید و بدین وسیله آنها را سرگرم سازید و اوقات فراغت شان را اشغال کنید تا به انحراف و گناه کشیده نشوند.

البته من منکر نیستم که ایجاد تفریحات سالم و وسیله سرگرمی برای جوانان کاملاً ضروری است و مسئولان و خیراندیشان باید در این باره اقدام نمایند، و تا حدی هم می تواند جلو مفاسد اخلاقی را بگیرد، ولی هیچ کدام اینها نمی تواند پاسخ گوی نیاز طبیعی و خواسته غریزه جنسی باشد. غریزه جنسی یک واقعیت طبیعی است که آدمی را به سوی جنس مخالف جذب می کند و جداً خواستار ارضاست و با سرگرمی و بهانه نمی توان آن را از مسیر طبیعی منحرف ساخت. چنان که گرسنگی و تشنگی را به وسیله سرگرمی نمی توان برطرف ساخت نیاز جنسی را نیز به وسیله سرگرمی نمی توان تأمین کرد. باید سعی و تلاش ها را به سوی تأمین این نیاز طبیعی و رفع مشکلات و موانع ازدواج به موقع ساخت.

به نظر من حل این مشکل امکان پذیر است، مشکل اساسی در این است که ما تصور می کنیم ازدواج دختر و پسر با ادامه تحصیلات سازگار نیست، و چون ادامه تحصیلات ضرورت دارد پس باید ازدواج به موقع انجام نگردد و تا پایان دوره تحصیلات تأخیر بیفتد، در صورتی که چنین نیست، ازدواج با ادامه تحصیلات اصلاً ناسازگاری ندارد. آن چه

این دو را با هم ناسازگار ساخته اصل ازدواج نیست بلکه تقید به یک سری آداب و رسوم و توقعات بی جاست. اگر خانواده دختر و پسر و خود دختر و پسر و مسئولان کشور و متولیان مراکز فرهنگی و دانشگاهی در حل این مشکل تفاهم و تعاون داشته باشند قابل حل است. اما خانواده دختر نگوید: مخارج زن بر عهده شوهر است و من باید دخترم را به مردی شوهر دهم که از هم اکنون خانه و زندگی کاملاً مستقلی داشته باشد و بتواند مخارج خانواده اش را تأمین کند و هزینه زندگی دخترم را از دوشم بردارد. بلکه بگوید: اگر دخترم برای ادامه تحصیلات چند سال دیگر در منزل بماند، من ناچارم مخارج او را تأمین کنم، بنابراین می توانم دخترم را هم اکنون شوهر دهم و به اندازه توانم به زندگی جدید کمک کنم تا به خودکفایی برسند.

اما خانواده پسر نیز نگویند: وقتی پسرمان را زن می دهیم که بتواند منزل و زندگی مستقلی داشته باشد و مخارج خانواده اش را تأمین کند و باری بر دوش ما نباشد. بلکه بگویند: اگر برای ادامه تحصیلات تا چند سال دیگر در منزل ما بماند ناچاریم کلیه مخارج او را تأمین کنیم. پس چه بهتر که برایش زن بگیریم و به مقدار امکان به این زندگی نوبنیاد کمک نماییم. دختر و پسر نیز باید به این نکته توجه داشته باشند که وقتی به سن بلوغ رسیدند نیاز به ازدواج دارند؛ چنان که نیاز به آب و غذا دارند و این باید از راه مشروع تأمین شود و بهترین اوقات ازدواج سنین بلوغ است. بعد از آن امکانات مالی خانواده شان را در نظر بگیرند و توجه داشته باشند که چون قصد ادامه تحصیلات دارند نمی توانند زندگی کاملاً مستقلی را تشکیل دهند، بنابراین خواسته ها و توقعات خود را با وضع موجود تطبیق دهند. از منزل شخصی و مستقل و تجملات زندگی به طور موقت چشم پوشی کنند. از جهاز سنگین و اسباب و لوازم لوکس صرف نظر نمایند. راضی شوند در منزل خانواده عروس یا خانواده داماد یا جای دیگر، اتاقی داشته باشند و برای مدتی زندگی ساده ای را شروع کنند و تا خاتمه تحصیلات به طریق مشروع از بچه دار شدن جلوگیری نمایند، چون هر دو نفر به تحصیل اشتغال دارند و باید به امور درسی خود برسند کارهای منزل را با همکاری و تعاون انجام دهند، توقعات را کم نمایند و ساده زندگی کنند.

مسئولان کشور و مراکز آموزشی نیز می توانند به دانش آموزان و دانشجویان وام ازدواج بدهند و خوابگاه و سایر امکانات را برایشان فراهم سازند.

مراکز خیریه نیز می توانند به صورت وام ازدواج یا بلاعوض و جوهی را در اختیار این گونه افراد قرار دهند. خانواده دختر و پسر می توانند تفاهم کرده و با جلب نظر و تفاهم دختر و پسر زندگی ساده و باصفایی برایشان تنظیم نمایند. در این صورت پسر و دختر در آغاز جوانی از تشکیل زندگی خانوادگی و انس و مودت برخوردار، و از گناه و انحراف و بیماری های روانی مصون می مانند و با فراغت و آرامش خاطر به درس و مطالعه خود ادامه می دهند و بعد از پایان تحصیلات به کسب و کار مشغول می شوند و به تدریج اسباب و لوازم زندگی را تکمیل می کنند و به خواسته های درونی خویش جامه عمل می پوشند.

البته تصدیق می کنم که پیشنهاد مذکور امری است غیر مأنوس که عمل به آن ابتدائاً مشکل بلکه غیر ممکن تلقی می شود، ولی اگر خوب بیندیشیم و جوانب آن را بررسی کنیم به امکان و ضرورت آن تصدیق خواهیم کرد. برای نجات نسل جوان و جلوگیری از مفاسد اخلاقی و انحرافات و تجاوزات جنسی چه راه حلی را بهتر از این سراغ دارید؟ به نظر من پیشنهاد مذکور بهترین بلکه تنها راه حل مشکلات نسل جوان می باشد، و کاملاً قابل عمل است. باید عادات و رسوم و قید و بندها را کنار بزنیم تا امکان آن را دریابیم. البته این امر به یک کار فرهنگی وسیع نیاز

دارد تا افکار خانواده ها و جوانان برای پذیرش آن آماده شود. به امید این که اصلاح طلبان و خیر اندیشان که در نجات و سعادت نسل جوان می اندیشند همتشان را در این باره معطوف دارند و در حل این مشکل بزرگ اجتماعی تلاش و جدیت نمایند. به هر حال باید این سد شکسته شود و موانع ازدواج در حال تحصیل مرتفع گردد. توصیه ما به جوانان این است که خود در این راه پیش قدم شوند، و نیاز طبیعی خویش را بدون خجالت با خانواده شان در میان بگذارند و از آنان بخواهند که وسیله ازدواج ساده را برایشان فراهم سازند.

به نامه این دانش جوی مجرد توجه نمایید:

آقای... دانش جوی علوم پزشکی دانشگاه تهران در نامه اش می نویسد:

«دانش جوی ۲۳ ساله هستم. احتیاج شدید به یک همسر مهربان و خوب دارم، ولی دشواری هایی بر سر این راه هست که دوايي برای آنها نمی یابم. مهم ترین مشکل خانواده ها هستند (خانواده پسر و دختر) و هم چنین مشکلات مالی و نداشتن شغل مناسب؛ مثلاً خانواده من گفته اند پس از گرفتن پایان نامه و انجام خدمت سربازی دامادت خواهيم کرد که در آن موقع ۲۷ ساله خواهم بود. آیا تا آن موقع ازدواج دیر نیست. متأسفانه مردم خیال می کنند کسی که می خواهد داماد شود باید خانه و ماشین داشته باشد و از عهده تأمین مخارج هنگفت مراسم عروسی برآید. متأسفانه در حال حاضر جوانانی که موقعیت ازدواج را ندارند - جز عده معدودی که ایمان قوی دارند - بقیه به راه های خلاف کشیده می شوند. به نظر من اگر جوانان در موقع مناسب ازدواج کنند یا امکان ازدواج موقت برایشان فراهم باشد دیگر احتیاجی به این همه گشت امر به معروف و نهی از منکر نیست.

برای غلبه بر این مشکل چند راه به نظر من می رسد که مطرح می سازم:

۱. به جای این که خانواده ها این قدر مقید به مراسم گسترده عروسی باشند با ساده تر برگزار کردن آن، می توان کمک به سزایی به خانواده جدید کرد و مبلغ صرفه جویی شده را صرف تأسیس این خانواده ها نمود.
۲. کمک کردن خانواده عروس و داماد و هم چنین اقوام نزدیک آنها به این دو زوج جوان.
۳. درک و آگاهی از این مسئله توسط امت مسلمان که ازدواج یک سنت اسلامی است و توجه به سفارش های مکرر پیامبر اکرم و ائمه اطهار در مورد ازدواج به موقع و ثواب آن.
۴. کمک دولت و دیگر مؤسسات خیریه خصوصی به جوانان در مورد ازدواج مانند: در اختیار گذاشتن زمین، وام ازدواج و مسکن، با شرایط سهل و دیگر امکانات که اگر ان شاء الله در جامعه اسلامی ما این موضوع جا بیفتد و مانند دیگر رسوم غلط از بین برود خیلی از مسائل اجتماعی ما که اکثر آنها در مورد جوانان به این مسئله بستگی دارد از بین خواهد رفت.

۴. خدمت سربازی:

چهارمین مانع در راه ازدواج خدمت سربازی است. طبق قانون جاری کشور هر پسری ناچار است در سن هیجده سالگی یا بعد از خاتمه تحصیلات مدت دو سال به خدمت سربازی برود. در این مدت از خانه و زندگی دور است و باید مقررات نظام وظیفه را رعایت کند. بنابراین نمی تواند مخارج خانواده اش را تأمین کند و از آنها سرپرستی نماید و به همین جهت اغلب پسران ازدواج را تا پایان خدمت سربازی به تأخیر می اندازند. و خانواده دختر هم کمتر حاضر می شوند دخترشان را به عقد جوانی درآورند که هنوز خدمت سربازی را انجام نداده است. در نتیجه، سنین ازدواج

به بعد از بیست سالگی کشیده شده و آثار و نتایج سوء این تأخیر بر اندیشوران پوشیده نیست. اما به نظر من مشکل مذکور نیز غیر قابل حل نیست. اساس اشکال از این جا پیدا شده که ازدواج را به صورت امری فوق العاده می نگریم و به عادات و رسوم مقید شده ایم که انجام آنها اصلاً ضرورت ندارد. اما اگر هدف اصلی ازدواج را منظور بداریم تصدیق می کنیم که اغلب این عادات و رسوم و توقعات و تجملات، در نیل به هدف دخالتی ندارند و بدون آنها هم می توان ازدواج ساده ای را برگزار کرد و به هدف نائل آمد. اگر خانواده دختر و پسر تفاهم و تعاون داشته باشند و پسر و دختر هم دست از توقعات و بلند پروازی ها بردارند و مسئولان اجتماعی هم در این باره کمک کنند جوانان می توانند در آغاز جوانی ازدواج کنند و به موقع هم خدمت سربازی را انجام دهند. چنان که سابق بر این، با راه حل مشکل آشنا شدید.

۵. وجود خواهر یا برادر بزرگ تر:

یکی از موانع ازدواج وجود خواهر یا برادر بزرگ تر است. گاهی ازدواج دختری به هر دلیل آن قدر تأخیر می افتد تا از سن معمول و متعارف ازدواج بالاتر می رود و شانس آمدن خواستگار برایش کمتر می شود. اگر یک دختر باشد یا فاصله اش با خواهر بعد از خودش زیاد باشد کمتر مشکلی به وجود می آید. اما اگر خواهر کوچک تری داشته باشد که دم بخت باشد و برایش خواستگار بیاید، در چنین صورتی است که مشکل به وجود می آید. اگر پدر و مادر بخواهند دختر کوچک تر را شوهر بدهند دختر بزرگ تر ناراحت می شود و احساس شرمندگی و شکست می کند، و تصور می نماید که نقطه ضعفی برایش محسوب می شود و شانس وجود خواستگار برایش کمتر خواهد شد. و اگر خواستگار دختر کوچک تر را رد کنند امکان دارد او هم به سرنوشت خواهر بزرگ تر گرفتار شود و اگر چندین دختر پشت سر هم داشته باشند دلهره و مشکل شدیدتر خواهد بود. حل چنین مشکلی حتماً دشوار است. شبیه این مشکل ولی خفیف تر امکان دارد در بین دو برادر به وجود آید: گاهی ازدواج پسر به هر دلیل آن قدر تأخیر می افتد که از سن متعارف تجاوز می نماید؛ به گونه ای که اگر برادر کوچک تر داشته باشد موقع ازدواج او فرا می رسد. در چنین صورتی نظیر مشکل سابق به وجود می آید. این قبیل مشکلات در شهرهای بزرگ و اقشار تحصیل کرده بیش از سایرین دیده می شود. البته چندان زیاد نیست ولی به هر حال وجود دارد، باید چاره اندیشی کرد.

راه حل

قبلاً لازم است به تذکری که جنبه پیش گیری دارد اشاره کنم آن گاه به ذکر راه حل بپردازم. لازم است دختران و پدران و مادران شان قبلاً موقعیت خود را خوب بررسی کنند و برای پیش گیری از وقوع چنین مشکلاتی از توقعات زیاد و بلند پروازی های خیالی و وسواس خود، دست بردارند و خواستگار مناسب را رد نکنند، مبادا با چنین مشکلی مواجه شوند.

چنان چه به هر دلیل با مشکل مذکور مواجه شدند به نظر می رسد بهترین راه این است که دختر بزرگ تر نسبت به خواهر کوچک تر فداکاری کند و او را به ازدواج تشویق نماید. پدر و مادر نیز همین عمل را انجام دهند و وسیله ازدواج دختر کوچک تر را فراهم سازند و او را از احتمال ابتلا به سرنوشت دختر اول نجات دهند. دختر بزرگ تر هم خدا دارد اگر خود او و پدر و مادرش موقعیت او را دریابند و با توجه به وضع موجود شرایط و

توقعات را کمتر کنند امید می رود که برای او نیز خواستگار خوب و مناسبی پیدا شود و به خانه بخت برود. و نظایر آن دیده شده و چه بسا بهتر از شوهر دختر کوچک تر هم نصیبش شده است. گویا بهترین راه حل همین باشد. در مورد ازدواج برادر کوچک تر قبل از برادر بزرگ تر نیز همین موضوع را پیشنهاد می کنیم. البته در این مورد دشواری کمتر است.

۶. مشکل مسکن:

یکی از موانع بزرگ ازدواج نداشتن منزل است. تهیه منزل برای جوانان بسیار دشوار است و به همین جهت ازدواج ها از سنین مناسب به تأخیر می افتد. این مشکل اختصاص به جوانان ندارد بلکه قشر وسیعی از مردم به این بلیه سخت گرفتارند. برای حل این مشکل دو راه را پیشنهاد می کنیم: دراز مدت و کوتاه مدت. راه حل دراز مدت: با این که اکثر کشورهای پیشرفته و صنعتی مشکل مسکن را حل کرده اند و کمتر اتفاق می افتد که فردی به منزل ملکی یا اجاره ای دست رسی نداشته باشد متأسفانه تهیه مسکن در کشورهای جهان سوم یکی از مشکلات بزرگ محسوب می شود. با کمال تأسف کشور جمهوری اسلامی ایران نیز شدیداً با این مشکل بزرگ درگیر است و با افزایش بی رویه جمعیت روز به روز هم شدیدتر می شود. قشر وسیعی از مردم ما از بی خانمانی در رنج و عذابند و تهیه منزل برای افراد کم درآمد و حقوق بگیر به ویژه جوانان بسیار دشوار و احياناً غیر ممکن است. آن هم با ترقی سرسام آور منازل. تا کسی بی منزل نباشد از طعم تلخ بی خانمانی اطلاع ندارد. دولت وظیفه دارد در حل این مشکل اساسی کوشش کند، زیرا مسکن همانند آب و غذا ضرورت دارد. دولت باید جدی تر در حل این مشکل اقدام نماید، وگرنه روز به روز با مشکلات بیشتری مواجه خواهد شد. اولاً: بخش خصوصی را به سرمایه گذاری در احداث انبوه مسکن های کوچک و ارزان قیمت به صورت ویلایی و آپارتمانی تشویق کند و تسهیلات لازم را در اختیارشان قرار دهد، و بر کارشان نظارت نماید. تا آنها را به صورت فروش یا اجاره ارزان قیمت در اختیار نیازمندان قرار دهند. ثانیاً: در صورت امکان خود دولت می تواند در احداث این قبیل مساکن سرمایه گذاری کند. ثالثاً: با وسایل تبلیغاتی که در اختیار دارد ثروتمندان و اهل خیر را به تأسیس مؤسسات خیریه تهیه مسکن و اعطای وام های بدون بهره به بی خانمان ها و به ویژه زوج های جوان و بی منزل تشویق کند. راه حل کوتاه مدت: چنان که قبلاً گفته شد، ازدواج در سنین معین برای جوانان یک ضرورت است و تأخیر آن به صلاح جامعه و جوانان نیست. مشکل مسکن را نیز باید تحمل کنند. در این رابطه به جوانان توصیه می کنیم که واقع نگر و عاقبت اندیش باشند و توقعات را در حد امکان کم کنند. و به پدر و مادر دختر و پسر توصیه می کنیم که در حل مشکل مسکن خانواده جدید همکاری و تعاون نمایند. اگر توان مالی دارند در خرید منزل به فرزندان کمک نمایند. اموالی را که بعد از مرگتان به فرزندان می رسد مقداری از آن را هم اکنون در اختیارشان بگذارید تا راحت باشند و به شما دعا کنند و در زمان پیری و گرفتاری به کمک شما بشتابند. وسیله آسایش و استقلال فرزندان را فراهم سازید و از زندگی زیبای آنان لذت ببرید. در تهیه مسکن برای خانواده جدید خوب است خویشان دیگر نیز کمک کنند. اگر تعاون و همکاری باشد غالباً مشکلات حل می شود. و اگر از تهیه منزل ملکی برای خانواده جدید ناتوان هستید می توانید منزل اجاره ای برایشان تهیه کنید و مقداری از

اجاره را بپردازید.

در صورتی که این هم امکان نداشت اگر خودتان یا بعض خویشتانتان اتاق خالی دارید می توانید وسیله عروسی را در آن جا موقتاً فراهم سازید تا این که منزل ملکی یا اجاره ای فراهم شود. در چنین صورتی عروس و داماد باید موقعیت خود را دریابند و توقعات خود را تعدیل نمایند.

۷. بهانه جویی های پدر و مادر:

بعضی از پدران و مادران بسیار پرتوقع و بلند پرواز و مشکل پسندند. خواستگار برای دخترشان می آید، ولی هریک را به بهانه ای رد می کنند. به مقدار تحصیلات داماد، به شغل، به مقدار مال، به خانواده، به قیافه و قد، به خویشتان، به دهاتی یا شهری بودن داماد و غیره ایراد می گیرند. به دنبال یافتن داماد ایده آلی هستند که کمتر پیدا می شود. در همین حال به تدریج بر سن دختر افزوده می شود، و بیم آن می رود که از سن معمول ازدواج بالاتر رود و خواستگارش کمتر شود.

گاهی هم پدر و مادر در یافتن عروس ایده آل برای پسرشان به همین وسواس مبتلا می گردند، و برای ازدواج به موقع پسرشان سنگ اندازی می کنند. وظیفه دختران و پسرانی که با چنین پدران و مادرانی مواجه هستند چیست؟

راه حل

در آغاز سخنی دارم با چنین پدران و مادران: پدر گرامی و مادر مهربان! می دانم که ایرادها و مشکل پسندی های تو از روی خیرخواهی است. منظور تو این است که شوهر خوبی برای دختری پیدا کنی تا عمری را راحت زندگی کند، و احیاناً کمبودهایی را که تو در زندگی خانوادگی داشته ای نداشته باشد ولی این احتمال را هم بده که این مشکل پسندی ها و ایرادهای غیر معمول تو وسواسی است که به زیان دختری تمام می شود. به تدریج سن دختری افزوده می شود و خواستگار کمتری پیدا می کند. ممکن است مانند همین خواستگاران هم برایش نیاید، و در نهایت ناچار شوی به فرد پایین تری او را بدهی، یا در خانه نگه داری و از نعمت ازدواج و تشکیل خانواده محروم سازی. خدا این گناه را از تو نمی بخشد. دختر تو به سن بلوغ رسیده و نیاز به شوهر دارد. اگر در موقع مناسب وسیله ازدواج را فراهم نسازی امکان دارد عواقب خوبی نداشته باشد.

نمی گویم بدون تحقیق و بررسی و شناخت خواستگار و بدون مصلحت اندیشی و مشورت، دختری را به هرکس آمد شوهر بده. بلکه می گویم واقع نگر باش و با توجه به همه اوضاع و شرایط، بهترین خواستگار را با توکل به خدا بپذیر و کار را تمام کن.

سخن دوم من با پسران و دخترانی است که با چنین پدران و مادرانی مواجه هستند:

چاره کار شما این است که خجالت را کنار بگذارید. در موقع مناسبی با پدر یا مادر یا هر دو خلوت کنید. با کمال ادب و احترام بگویید: شما خیرخواه من هستید، احترام شما بر من لازم است، دوست ندارم از دستورهایی تان تخلف کنم، ولی لازم است صریحاً بگویم که من به سن بلوغ و ازدواج رسیده ام، خواستگاران برای من می آیند ولی شما هریک را به بهانه ای رد می کنید، و به تدریج بزرگ تر می شوم. فلان ایراد شما به فلان خواستگار صحیح نیست. اگر او را هم رد کنید معلوم نیست بهتر از او نصیب من شود. اگر صلاح بدانید با توکل به خدا او را بپذیرید. اگر صریح و قاطع و با

ادب صحبت کنید ان شاءالله مشکلاتان حل می شود.
و اگر تأثیر نکرد یا خجالت می کشید می توانید موضوع را با یکی از خویشان دانا و آبرومند در میان بگذارید تا در این باره با پدر و مادرتان صحبت کند.
اگر با هیچ یک از این راه ها موفق نشدید و احساس کردید که نیاز به ازدواج دارید و خواستگار مناسبی نیز برایتان آمده بعد از تحقیق و مشورت، می توانید خودتان ازدواج با او را بپذیرید. در چنین صورتی مخالفت با پدر و مادر شرعاً حرام نیست. گفتنی است منظور ما مقاومت در برابر اشکال تراشی های ناصحیح پدر و مادر است نه ایرادهای صحیح آنان. در مورد شک می توانید با افراد عاقل و با تجربه مشورت کنید.

۸. تجمل گرایی ریشه اکثر موانع:

ازدواج نیازی طبیعی و امر ساده ای است. زن و مرد دو رکن مهم ازدواج هستند، در تحقق ازدواج جز رضایت زن و مرد و اجرای صیغه عقد چیز دیگری شرط نیست. وقتی زن و مرد یک دیگر را پسندیدند و تصمیم به ازدواج گرفتند مرد چیزی را به عنوان مهر و صداق، به صورت نقد یا نسیه به همسرش تقدیم می کند آن گاه صیغه عقد خوانده می شود. زن و مرد زن و شوهر می شوند، و حق دارند از هم بهره جنسی ببرند. البته مستحب است ولیمه ای داده شود ولی در حد توان مالی زن و شوهر، نه زیادت. خرید و اهدای مقداری لباس برای عروس به وسیله خانواده داماد و از طرف خانواده عروس برای داماد نیز کار خوبی است ولی به مقدار نیاز و قدرت مالی آنان، نه زیادت. در موقع عروسی و تشکیل خانواده نیز خوب است خانواده عروس و داماد طبق توان مالی خود اسباب و لوازم زندگی ساده ای برای خانواده جدید تهیه کنند و تقدیم عروس و داماد نمایند. اما به مقدار نیاز نه به صورت تشریفات زاید. اگر ازدواج ها این گونه ساده برگزار شود مشکلی به وجود نخواهد آمد و کمتر کسی است که قدرت چنین ازدواجی را نداشته باشد.

آن چه ازدواج را مشکل بلکه در برخی موارد غیر ممکن ساخته تجملات و تشریفات زاید و غیر عقلانی است. مهریه ها و جهازیه های سنگین و تجملاتی، خریدهای تشریفاتی و غیر ضروری قبل از عقد و عروسی، برگزار کردن مجالس عقد و عروسی در تالارهای پر خرج، مهمانی های پر خرج و تشریفاتی، ریخت و پاش ها و ولخرجی های زیاد است که ازدواج را دشوار ساخته است. همه اینها در اثر رقابت ها، چشم و هم چشمی ها و خودنمایی ها به وجود آمده است. طبقات ثروتمند که از امکانات مالی خوبی برخوردار هستند برای نشان دادن ثروت و امکانات خود، مراسم ازدواج خود و فرزندانیشان را با تجملات و تشریفات برگزار می کنند و بدین وسیله ثروت خود را در معرض دید افراد هم طبقه خود و طبقات پایین تر قرار می دهند. طبقات متوسط هم سعی می کنند به هر طریق ممکن مراسم ازدواج ها را شبیه طبقات بالا برگزار کنند.

از آنها به طبقات پایین تر نیز سرایت می کند و به تدریج یک ارزش اجتماعی می شود که همه ناچارند در این رقابت همگانی شرکت نمایند.

بنابراین تجمل گرایی را می توان به عنوان ریشه اکثر موانع ازدواج و مهم ترین عامل تأخیر آن تا سنین بالا بلکه ترک ازدواج نسبت به بسیاری از دختران و پسران به شمار آورد.

برای حل این مشکلات و ده ها مانند اینها چاره ای جز مبارزه جدی با تجمل گرایی و ترویج ازدواج های ساده و کم

خرج نداریم. و این امر مهم نیاز به یک کار گسترده فرهنگی، توسط همه نویسندگان و گویندگان، روزنامه ها و مجلات، صدا و سیما، ائمه جمعه و جماعت، به علاوه اقدام عملی توسط مسئولان عالی رتبه نظام و شخصیت های معروف اجتماعی دارد.

یک راه حل مهم

برای کسانی که به سن ازدواج رسیده ولی در اثر موانع مذکور قدرت ازدواج ندارند یک راه حل مهم و اساسی وجود دارد و آن عبارتست از انجام عقد شرعی و قانونی و تأخیر عروسی تا زمان رفع موانع. در این فرض دختر و پسر با کمال دقت و احتیاط همسر خود را شناسایی و انتخاب می کنند. به وسیله خانواده عروس و داماد مراسم خواستگاری و تعیین مهر و شرط و شروط لازم برگزار می شود، صیغه عقد شرعی خوانده می شود و در دفتر ازدواج به ثبت می رسد. بعد از آن پسر و دختر شرعاً و قانوناً زن و شوهر می شوند. می توانند از هم بهره جنسی ببرند، ولی بهتر است از عمل مخصوص زناشویی خودداری نمایند یا با استفاده از داروها و وسایل ضد بارداری از حاملگی جلوگیری کنند. دختر و پسر همانند سابق در خانه پدر و مادر زندگی می کنند ولی با این تفاوت که می توانند رفت و آمد داشته باشند، با هم به سفر بروند، از انواع لذت های جنسی (به جز عمل مخصوص) بهره مند گردند. ولی تا زمانی که موانع موجود است عروسی نمی کنند و زندگی مستقلی تشکیل نمی دهند. هنگامی که موانع برطرف شد و شغل و درآمدی پیدا کردند عروسی کنند و زندگی مستقلی تشکیل می دهند. معلوم است که چنین ازدواجی نه با ادامه تحصیلات ناسازگار است، نه با بی کاری و درآمد و نه منزل مسکونی نداشتن. اما منافع ازدواج را به طور نسبی دارد. به وسیله چنین ازدواج هایی می توان از زیان های تأخیر ازدواج پسران و دختران جلوگیری کرد، مانند: انحرافات جنسی، مفاسد اخلاقی و اجتماعی، ولگردی و اعتیاد. بسیاری از بیماری های روانی و جسمانی. البته تصدیق می کنم که این گونه ازدواج ها مرسوم و متعارف نیست ولی گویا راه حل خوبی است و در شرایط فعلی چاره ای جز آن نداریم. جا انداختن این قبیل ازدواج ها نیاز به یک سری تبلیغات گسترده به وسیله صدا و سیما و روزنامه ها و مجلات و سخنگویان و ائمه جمعه و منبری ها دارد.

برای دانشجویان و دیگر افرادی که امکان ازدواج دائم ندارند راه دیگری هم وجود دارد و آن ازدواج موقت است که «متععه» نامیده می شود. ازدواج دائم و متعه در این جهت مشترکند که هر دو ازدواج هستند و زن و مرد حق تمتع از یک دیگر را دارند. هر دو احتیاج به اجرای صیغه مخصوص و رضایت زن و مرد را دارند. اما از جهاتی هم با هم فرق دارند: در متعه تعیین مدت، کم یا زیاد، لازم است بر خلاف ازدواج دائم که مادام العمر است. ازدواج دائم همیشگی است و جدایی زن و مرد نیاز به طلاق دارد ولی متعه، موقت است و بعد از پایان مدت از یک دیگر جدا می شوند و نیازی به اجرای صیغه طلاق نیست. در ازدواج دائم نفقه و کلیه مخارج زن بر عهده مرد است ولی در ازدواج موقت نفقه زن بر عهده مرد نیست مگر این که شرط کرده باشند. در ازدواج دائم زن و مرد از هم ارث می برند اما در متعه ارث نمی برند مگر این که شرط کرده باشند. در عقد دائم در صورتی مرد می تواند از بچه دار شدن جلوگیری کند که زن راضی باشد برخلاف متعه که رضایت زن شرط نیست. ولی اگر صاحب فرزندی شدند به هر دو تعلق دارد. به هر حال متعه یک ازدواج رسمی است و کسانی که نیاز جنسی دارند و از لحاظ امکانات اقتصادی یا هر جهت دیگر

امکان ازدواج دائم و تشکیل خانواده را ندارند می توانند از این راه استفاده نمایند. دانش جویان و دانش آموزان، افراد بی بضاعت، مردانی که در سفر هستند و دست رسی به همسر دائم خود ندارند، افرادی که قدرت ازدواج دائم و تشکیل خانواده را ندارند و از جهت دیگر تحت فشار گزینه جنسی هستند می توانند به طور موقت با زنی ازدواج موقت نمایند. مرد از این طریق می تواند خود را از ارتکاب گناه و عوارض سوء سرکوب کردن گزینه جنسی نجات دهد. هم چنین زنانی که امکان ازدواج دائم را ندارند به وسیله متعه شدن می توانند به نیاز طبیعی و گزینه خود پاسخ مثبت دهند و در صورت فقر می توانند از مهریه دریافت شده استفاده نمایند، و چنین مردان و زنانی در جامعه کم نیستند. متعه برای اینها بهترین راه حل است، زیرا با این که گزینه جنسی آنها ارضا می شود مشکلات ازدواج دائم را ندارند. به همین جهت برای اکثر افراد امکان انجام چنین عملی وجود دارد. لذا در احادیث در مورد «متعه» تأکید و سفارش شده است. این را هم بگوییم که تشریح متعه برای عیاشی و هوسرانی نیست، بلکه برای رفاه افرادی تشریح شده که امکان ازدواج دائم را ندارند، به همین جهت وقتی از حضرت ابوالحسن علیه السلام در باره متعه سؤال شد در پاسخ فرمودند: متعه حلال و مباح است برای کسی که به وسیله ازدواج دائم بی نیاز نشده است. پس به وسیله متعه خودش را از گناه نجات می دهد. اما کسی که به وسیله ازدواج دائم بی نیاز شده در صورتی متعه برایش مباح است که از همسرش دور شده باشد. (۲)

شخص دیگری از حضرت ابوالحسن علیه السلام درباره متعه سؤال کرد. حضرت فرمود: تو چه کار داری با متعه؟ تو از آن بی نیاز هستی. راوی گفت: می خواهم با مسئله متعه آشنا شوم، حضرت فرمود: متعه در کتاب حضرت علی به ثبت رسیده است. (۳)

به هر حال اگر متعه به طور صحیح رسمیت می یافت بسیاری از مسائل جوانان و سایر افراد مجرد، بلکه مسئله کثرت زن های عفیف و پاک دامن که امکان ازدواج دائم را ندارند حل می شد. مسائل متعه و کیفیت اجرای صیغه را می توانید در رساله های علمیه بخوانید.

پی نوشت ها:

۱. نور (۲۴) آیه ۳۳: «وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ».
۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۴۹: فتح بن یزید قال سألت ابالحسن عليه السلام عن المتعة فقال: «هي مباح مطلق لمن لم يغنه الله بالتزويج فليستعفف بالمتعة فان استغنى عنها بالتزويج فهي مباح له اذا غالب عنها».
۳. همان: علی بن یقطين قال سألت ابالحسن عليه السلام عن المتعة فقال: «ما انت و ذاك قد اغناك الله عنها فقلت انما اردت أن اعلمها، فقال: هي في كتاب علي».

منبع: makarem.ir

